

افشای قتل مرد نجار

رازگشایی از قتل مرد نجار که قربانی
توطئه همسر و پسرش شده بود،
خاطره رئیس اداره جرایم جنایی
پلیس آگاهی البرز است



عکس تزئینی است



اردیبهشت ماه بود که مثل همیشه در اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز به همراه همکارانم مشغول کار بودیم. همکارانم به پرونده های قتل رسیدگی می کردند و من هم مشغول تهیه گزارش پرونده های کشف شده بودم. حوالی ظهر پرونده ای از کلانتری درباره مفقود شدن پیرمرد ۶۵ ساله به ما ارجاع شد. پسر خانواده همراه مادرش به اداره آگاهی آمده بودند تا شکایت را پیگیری کنند. مرد جوان وقتی روبه رویم نشست مدعی شد من پسر بزرگ خانواده هستم و دو برادر دیگر دارم، امروز مادرم با من تماس گرفت و مدعی شد که پدرت از خانه خارج شده و چند ساعتی است که بازنگشته، به همین خاطر من هم نگران شده و موضوع را به کلانتری اطلاع دادم. پدر و مادرم به همراه برادر کوچک تر مان که ازدواج کرده در یک خانه زندگی می کنند و من به خاطر مشغله کاری از آن ها دور هستم.

بعد از اظهارات مرد جوان، همسر مفقودی مدعی شد شوهرم عصر دیروز از خانه خارج شد اما تا به امروز بازنگشته است، او نجار بود و چند سال قبل خودش را بازنشسته کرد و در خانه بود. همسر برای پیاده روی از خانه خارج شد چراکه همیشه این کار را می کرد اما دیگر به خانه بازنگشت و ما نگران هستیم.

بعد از ثبت این شکایت با تعیین افسر رسیدگی کننده به پرونده از او خواستم به صورت دقیق تحقیقاتش را برای پیدا کردن ردی از پیرمرد نجار انجام دهد. حدسم این بود که اتفاق تلخی برای این مرد رخ داده است.

در حالی که سه روز از ثبت شکایت گذشته بود مأموران کلانتری در تماس با ما اعلام کردند که یک جسد را در اختراآباد پتو پیچ شده پیدا کرده اند. وقتی به صحنه جنایت رسیدیم بررسی های اولیه نشان می داد جسد متعلق به پیرمردی حدوداً شصت تا هفتاد سال است که هیچ اوراق هویتی ندارد و لای پتو پیچیده شده و از بالا به پایین انداخته شده است. پزشکی قانونی با بررسی

جسد اعلام کرد که هیچ گونه آثار ضرب و جرح روی جسد وجود ندارد و به احتمال زیاد او با سم مسموم شده یا بر اثر خفگی کشته شده است.

بعد از این که به اداره آمدم یک لحظه به فکرم رسید که جسد کشف شده می تواند متعلق به پیرمردی باشد که چند روز قبل خانواده اش اعلام مفقودی کردند، به همین خاطر از پسر بزرگ او خواستیم برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی بروم. وقتی او جسد پدرش را دید اعلام کرد که جسد متعلق به پدر او است. با شناسایی هویت مقتول تحقیقات وارد مرحله تازه ای شد و چند روز بعد پزشکی قانونی اعلام کرد که پیرمرد نجار به علت این که داروهای بسیاری به او خورانده شده، به قتل رسیده است.

با کشف این سرنخ متوجه شدم هر اتفاقی رخ داده، در خانه او بوده است، به همین خاطر پسر کوچک تر خانواده و مادرش را به اداره آگاهی احضار کردیم.

مادر خانواده که اضطراب زیادی در چهره اش بود سعی کرد همان حرف های گذشته را تکرار کند اما از او خواستم واقعیت را بگویم تا بتوانیم کمکش کنیم آن جا بود که او اعتراف کرد پسر کوچک خانواده با همدستی خودش مرد نجار را به قتل رسانده اند.

او گفت: همسر بعد از این که بازنشسته شد همیشه در خانه بود، پسر کوچک تر هم دوسالی بود از دواج کرده بود اما به علت بیکاری جا و مکانی نداشت و با ما زندگی می کرد. او با پدرش همیشه سر ناسازگاری داشتند تا اینکه آن شب، آن اتفاق هولناک افتاد.

زن میانسال ادامه داد: پسر به خانه آمد و به من گفت قصد دارد پدرش را به خاطر اذیت هایش به قتل برساند. او از من خواست پودری را که به خانه آورده است در غذای همسرم بریزم. من هم که از دست غره های او عصبانی بودم و فکر می کردم اعصابم دیگر تحمل این همه دعوا را ندارد، پودر را در داخل غذای همسرم ریختم و به او دادم.

همسرم ساعتی بعد از خوردن غذا دچار اسهال و استفراغ شد. من و پسر من دانستیم که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. او را در خانه نگه داشتیم تا اینکه چند ساعت بعد متوجه شدیم جانش را از دست داده است. جسد را پتو پیچ کردیم و به اختراآباد بردیم. پسر من از بالا، جسد را به درون یک دره انداخت. ما فکر نمی کردیم جسد این قدر زود کشف شود. دو روز بعد از قتل شوهرم تصمیم گرفتم موضوع را به پسر بزرگ مان بگویم و ادعا کنم که پدرش برای پیاده روی از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است. در ادامه پسر مقتول را به عنوان عامل اصلی جنایت به اتاقم فراخواندم تا او از انگیزه اش برای پدرکشی بگوید. پسر ۳۴ در حالی که گریه می کرد، گفت: دو برادر بزرگ تر من خانه و زندگی داشتند و کار می کردند. من دو سال قبل ازدواج کردم اما به خاطر بیکاری نتوانستم خانه ای را رهن کنم و به همراه همسرم در آن زندگی کنیم به همین خاطر به ناچار به خانه پدرم آمدم و با پدر و مادرم هم خانه شدیم. در این مدت پدرم همیشه به من سرکوفت می زد و می گفت پول مفت ندارم که خرج تو و زنت کنم، این در حالی بود که همیشه مرغ و گوشت خانه را من می خریدم اما او برای این که با آنها زندگی کنیم ماهی دو میلیون تومان اجاره خواست. رفتارهای پدرم خیلی بد بود و من نمی توانستم آن را تحمل کنم به همین خاطر نقشه قتلش را کشیدم و بعد از مشورت با مادرم آن را اجرا کردیم. در ادامه متوجه شدیم که همسر قاتل نیز در تمام مراحل قتل حضور داشته است به همین خاطر او نیز دستگیر شد و اعتراف کرد در تمام مراحل قتل و سربه نیست کردن جسد حضور داشته اما نه کاری کرده و نه چیزی به کسی گفته است.

بعد از این که قاتل را شناسایی کردیم خیالم راحت شد که یک بار دیگر خون بی گناهی پایمال نشد و خیلی زود عاملان جنایت از سوی پلیس آگاهی دستگیر شدند.



رفتارهای پدرم
خیلی بد بود و من
نمی توانستم آن را
تحمل کنم به همین
خاطر نقشه قتلش
را کشیدم و بعد از
مشورت با مادرم آن را
اجرا کردیم



شرکت سردسیر پویا

کلیه کارهای ساختمانی

با نمونه کار فراوان

۰۹۱۲۲۳۸۹۹۵۷

تماس:

کلیه مدارک شامل کارت سندکمیانی و برگ سبز خودرو سواری جک 55 مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفیدروغنی شماره انتظامی ایران ۱۳-۸۸۱ ج ۱۲ شماره موتور HFC4GA31DF3017759 شماره شاسی NAKSH7312FB106375 به نام حسین قدیری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو سواری سایپا LX132 مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۳-۳۴۲ ص ۴۶ شماره موتور 5040250 شماره شاسی NAS421100D1345514 به نام ستاره بهاءلوهوره مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

جام جم

زودتر با خبر شوید ...
MozayedeMonagheh.com

۰۲۱-۴۹۱۰۵۵۱۰